

تقلید

=====

ای که جز تقلید ما را کارِ دیگر نیست نیست
با خبر ای آشنا کاین راهِ پُر بر نیست نیست

همچو طوطی کرده از بر ساز و صوتِ دیگران
هیچ سازی چون نوای خویش خوشتر نیست نیست

گفته اند تقلید بر جا زندگی سازد درست
آری می سازد ولی اینگونه درسرنیست نیست

یک اگر مثبت گرانیم نه زده منفی پسند
جستجو کن حاصلش جز حالِ ابتر نیست نیست

بر گرفتیم دامن و دستِ دیگر ها سوختیم
همچو دستِ دوستِ دیگر دستی بهتر نیست نیست

ما به زعم خویش دانیم ساغر بیگانه صاف
چه عجب خوش باوری جز گنده ساغر نیست نیست

نیست ما را قابلیتِ گرچه قابل بوده ایم
جز غرور و خود ستایی چیز دیگر نیست نیست

خانه ی خود را زنیم آتش به میلِ دیگران
زشت تر از این عمل در شأنِ باور نیست نیست

شیوه ی نا راستی ها کرد راستان را خراب
هوشدار " فضلی " که این بی خار معبر نیست نیست